

ایمان تقلیدی

اشرف مخلوق شد با عقل خویش
آدمی ز اندیشه یابد اصل خویش
گر به پای دیگری افتد به راه
خود نباشد ، ره برد از خود جدا
می شود در بند و فرمان دیگر
هر چه او بر وی دمد دارد اثر
خود نبیند راه معقول در جهان
غرقه میگردد در وهم و گمان
گر نبود اندیشه اش از آن او
از رهء تقلید دارد گفت و گو
نی خطا بیند نی راه صواب
از حقیقت دور گردد در سراب
دین و ایمان گربودی از راه جهل
زهر تبعیض است، مبنای جدل
خود، به خود ظالم بود آن بیخبر
با فریب و مکر افتد در سقر
گر بودی آگاه ز عقل و اختیار
کی به پای خود برفتی در شرار
گر و را عقل و خرد همراه بودی
جنت و دوزخ همین دنیا بودی
راه عرفانش بود خلد برین
در جهالت است اسفل سافلین
ما از آن گشتیم بری خوار و زبون
چون بخود باور نداشتیم از درون